

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ریموند لوتا

برگردان از: م. همکار شورا

۲۶ نومبر ۲۰۱۱

آیا شرکت‌ها سیستم را فاسد می‌کنند ...

یا این‌که مسأله خود سیستم سرمایه‌داری است؟

متن زیر پیاده‌سازی سردستی سخنرانی ریموند لوتا برای «وال استریت را اشغال کنیم!» در نیویورک در ۷ اکتبر است.

نام من ریموند لوتا است. تخصص من اقتصاد سیاسی است و از نویسندگان نشریه انقلاب هستم و برای ترویج «سنتر نوین کمونیزم» که توسط پاپ آواکیان انجام شده فعالیت می‌کنم.

«وال استریت را اشغال کنیم!» رُخ‌دادی بزرگ و تاریخی است. نسیم تازه مقاومت است. ما نه به یک جنایت بل‌که به جنایات بی‌شمار این سیستم معترضیم. «وال استریت را اشغال کنیم!» در حال پرتوافکنی بر سؤالات بزرگی در مورد منبع این جنایات است و این‌که چگونه می‌توان یک جهان بنیادین متفاوت و بهتر را به ظهور رساند و فضای را برایمان آفریده که در مورد این مسائل حرف بزنیم! به این دلیل، از بودن در اینجا بسیار خوش‌حالم.

عنوان سخنان کوتاه من این است: «آیا شرکت‌ها سیستم را فاسد می‌کنند یا این‌که مشکل خود سیستم سرمایه‌داری است؟»

شکی نیست که عصبانیت مردم نسبت به شرکت‌ها و بانک‌ها به‌حق است.

نگاهی بکنید به کاری که سال قبل بریتیش پترولیوم در خلیج مکزیک کرد و بزرگترین فاجعه زیست‌محیطی تاریخ امریکا را آفرید.

مردم به‌حق از دست بانک‌ها عصبانی‌اند. این بانک‌ها از عملیات مالی سودهای عظیمی بردند که نتیجه‌اش بیرون‌کردن میلیون‌ها نفر از خانه‌های‌شان بود، و زمانی که بوی گند و ام‌های سباب‌پریم (بی‌پشت‌وانه) به مشامش خورد وارد آتیه کالاهای غذایی شد و به این ترتیب باعث صعود قیمت اقلام خوراکی در سراسر جهان شد؛ که به گرسنگی و قحطی میلیون‌ها تن در جهان سوم منجر شد.

می‌دانید که اخیراً **استیو جابز** (Steve Jobs) مُرد و در مورد او که چهقدر در دنبال‌کردن «رؤیای ناب‌گرایی‌اش پی‌گیر بود» قلم‌فرسائی کرده، و او را به عرشِ اعلاء می‌برند. در حالی‌که بدون وجود یک شبکه جهانی استنمار، نه اپل (Apple) در کار بود و نه استیو جابز. بدون وجود یک زنجیره تولیدی جهانی که از سیلیکان ولی (Silicon Valley) مدیریت می‌شود این‌ها اپل و استیو جابز نمی‌شدند. اکنون در مورد تولیدکنندگان قراردادی مانند فاکسکان (Foxconn) صحبت می‌کنم که در چین آیفون (iPhone) و آی‌پد (iPad) را مونتاژ می‌کنند؛ در کارخانه‌هایی که کارگران را مجبور به کار ۶۰ ساعت در هفته در کارخانه‌های آلوده به مواد شیمیائی خطرناک می‌کنند، در وضعیتی که کارگران از اولیه‌ترین حقوق محروم‌اند و گاه در نهایت ناامیدی دست به خودکشی می‌زنند.

شرکت‌ها و بانک‌ها بخشی از چیزی بزرگتر هستند

اگر از کورپورسیون‌ها و بانک‌ها و آنچه می‌کنند متنفریم و می‌خواهیم جلوی‌شان را بگیریم، باید به سیستمی که این‌ها بخشی از آن هستند نگاه کنیم. این‌ها بخشی از چیزی هستند که بزرگتر از این‌هاست. بخشی از سیستم سرمایه‌داری هستند که طبق دینامیک‌های معینی کار می‌کند.

فکرش را بکنید: شرکت‌ها و بانک‌ها مرتباً تغییر می‌کنند، مرتباً خرید و فروش می‌شوند. مانند **جی‌پی‌مورگان** و **چیس** یا **تکزاکو** و **شورون** ادغام می‌شوند. در نتیجه رقابت و بحران ورشکسته می‌شوند. مانند **لین برادرز** وارد خط تولیدهای گوناگون شده یا از آن‌ها خارج می‌شوند. مانند اتفاقی که برای **آی‌بی‌ام** و **پی‌سی** افتاد، یا اپل که وارد قلمروی **گوگل** شد.



یک شرکت یا بانک ماورای ملی، با دارائی‌های جهانی، تجسم سیستم اقتصادی هست که ما تحت آن زندگی می‌کنیم. شرکت‌های فرا ملی مانند **تویوتا** که اتومبیل مونتاژ می‌کند یا **اکسون‌موبیل** که چاه نفت حفاری می‌کند، یگان‌های تولید و انباشت سود هستند. بانک‌ها یگان‌هایی هستند که از عملیات دوردست سودهای مالی را به حداکثر می‌رسانند. یک شرکت ابزاری است برای استنمار سازمان‌یافته کار مزدی؛ ابزاری

است که به وسیله آن به بازارها نفوذ کرده و منابع زیرزمینی به چنگ آورده می‌شوند. مانند کمپانی‌های نفتی که به قطب می‌روند. این شرکت‌ها و بانک‌ها ابزار طبقه سرمایه‌دار برای تملک و کنترل است؛ اما، تنها ابزار آن‌ها نیست.

نکته من در آن است که این شرکت‌ها و بانک‌ها مَهْره‌هایی هستند بر روی صفحه شطرنج جهانی امپریالیسم



سرمایه‌داری. البته تنها مَهْره‌های آن نیستند؛ و این صفحه شطرنج، این میدان بازی بی‌رحم دارای قوانین بازی مشخصی است. اگر بازی‌گر بسکتبال مانند فوتبال توپ را با پا به انتهای زمین پرتاب کند کل بازی به هم می‌ریزد. پس نگاهی به این قوانین بازی سرمایه‌داری کنیم.

سرمایه‌داری طبق قوانین مشخصی عمل می‌کند:

قانون شماره یک: همه چیز کالا است و هدف هر کاری تولید سود است. در سرمایه‌داری هر چیزی که تولید می‌شود برای مبادله یا فروش است. برای این‌که فروش برود باید مفید باشند. اما در اساس محرک و انگیزه تولید هر چیزی - از خانه تا کامپیوتر و دارو و سوخت- سود است. و سود از استثمار میلیاردها انسان این گره خاکی به دست می‌آید.

در سرمایه‌داری، محیط زیست - مانند جنگل‌های بارانی در **اکوادور**؛ جایی که **تکزاکو** چاه نفت حفاری می‌کند- چیزی است که باید آن را به چنگ آورد و به خاطر سود غارت کرد. جنایت!

قانون شماره دو: تولید سرمایه‌داری تحت مالکیت خصوصی انجام می‌شود و فرمان «گسترش بیاب یا بمیر!» آن را به جلو می‌راند. **اکسون- موبیل** و **رویال داج شیل** یا **کِردی سونیس** و **جی‌پی‌مورگان‌چیس** برای سهمی از بازار با هم می‌جنگند. آنان به دلیل حرص و آز شخصی به‌سوی بسط سرمایه‌گذاری‌ها و ارزان‌کردن هزینه‌های‌شان رانده نمی‌شوند، بلکه به این دلیل به آن سو رانده می‌شوند که اگر بسط نیابند و برای شطرنج جنگ‌های‌شان مرتباً سودهای بیش‌تر انباشت نکنند نمی‌توانند سر خود را از آب بیرون نگاه داشته و بقاء یابند. اگر چنین نکنند به زیر رفته و بلعیده خواهند شد.

سر تا پای این نظام با رقابت رقم خورده است. بکش تا زنده بمانی! وقتی **بریتیش پترولیوم** در حال تمیزکردن نشأت نفت در **خلیج مکزیک** بود هیچ یک از کمپانی‌های دیگر برای کمک به این کار تجارب و ابزار اقیانوس‌شناسی خود را در اختیارش قرار ندادند، زیرا می‌خواستند از این وضعیت به نفع خودشان بهره‌برداری کنند و مشاهده امکان بلعیدن **بریتیش پترولیوم** آب از لب‌لوجه **شیل** و **اکسون-موبیل** سرازیر کرده بود. این اجبار «گسترش بیاب یا بمیر!» منجر به شکل‌گیری یگان‌های قدرت‌مندتر و بزرگ‌تر سرمایه می‌شود.

قانون شماره سه: قانون شماره سه تلاش برای کنترل جهانی است. سرمایه‌داری یک سیستم جهانی است. در جهان شکاف بزرگی میان کشورهای امپریالیستی و تحت سلطه هست. در این میدان بازی جهانی، شرکت‌ها و بانک‌ها برای نفوذیابی و کنترل جهانی حرکت می‌کنند. مانند شرکت‌های نفتی که در غرب آفریقا یا نیجریه حفاری می‌کنند. اما شدیدترین شکل رقابت، رقابت میان قدرت‌های جهانی است برای دستیابی به مواضع ستراتژیک و ممتاز در مناطق و بازارها و به چنگ آوردن منابع. این رقابت به جنگ‌های تجاوزکارانه منجر شده است. مانند آنچه آمریکا در فیلیپین یا فرانسه در الجزایر کرد و یا آمریکا در تجاوز به عراق کرده است. و این رایش به سوی کسب سلطه و کنترل جهانی موجب دو جنگ جهانی شده است.

این‌ها قوانین سه‌گانه بازی است: سود کسب شده از استثمار کارگر، گسترش بیابی یا مرگ، و رایش سلطه‌یابی جهانی. در کتاب «پایه‌ها» که گزیده‌ای از سخنان **باب آواکیان** است، در بخش سرمایه‌داری امپریالیسم، به یک نقل قول واقعاً خوب برمی‌خوریم که می‌خواهم این‌جا نقل کنم:

«امپریالیسم یعنی انحصارات و نهادهای مالی بزرگ که نظام‌های اقتصادی و سیاسی (و حیات مردم) را نه فقط در یک کشور بلکه در سراسر جهان کنترل می‌کنند. امپریالیسم یعنی استثمارگران انگل‌صفت که به صدها میلیون مردم جهان ستم کرده و آنان را محکوم به فلاکت و صفت‌ناشدنی می‌کنند؛ سرمایه‌گذاران انگل‌صفت که با یک کلیک کامپیوتری میلیون‌ها نفر را به قحطی می‌رانند و ثروت عظیمی را از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر جابه‌جا می‌کنند. امپریالیسم یعنی جنگ؛ جنگ برای سرکوب مقاومت و شورش ستم‌دیدگان و جنگ میان دولت‌های امپریالیستی که با هم رقابت می‌کنند. امپریالیسم یعنی رهبران دولت‌ها می‌توانند نابودی غیرقابل تصور و حتا نابودی کامل را از طریق فشار بر روی یک دگمه به بشریت تحمیل کنند. امپریالیسم مرحله‌ای از سرمایه‌داری است که تضادهای پایه‌ئی‌اش به سطوح انفجاری عظیمی ارتقاء یافته است. اما امپریالیسم همچنین به معنای آن است که جهان شاهد انقلاب خواهد بود. ستم‌دیدگان برخاسته و

استثمارگران و عذاب دهندگان را سرنگون خواهند کرد. و این انقلاب یک مبارزه جهانی خواهد بود برای محوکردن هیولای جهانی، امپریالیسم.»

(به نقل از «پایه‌ها» ۱:۶)

سرمایه‌داری و قدرت دولتی

ریشه سیستم سرمایه‌داری این قوانین اقتصادی هستند. اما این سیستم برای بقا و گسترش خود نیازمند قدرت دولتی است. آری! سرمایه خصوصی و در رقابت است. اما سرمایه‌داران یک کشور (مثلاً آمریکا یا فرانسه، روسیه و آلمان و غیره) دارای منافع مشترکی هستند. قدرت دولتی در فرانسه مدافع منافع مشترک ستراتژیک سرمایه فرانسوی است؛ به همین دولت ژاپن و روسیه و غیره.

طبقه سرمایه‌دار بر اقتصاد سلطه دارد. ابزار تولید اصلی مانند زمین، مواد خام و منابع دیگر، تکنولوژی و ساختارهای فیزیکی مانند کارخانه‌ها را کنترل می‌کند. حکومت بخشی از قدرت دولتی است که تحت کنترل طبقه سرمایه‌دار است. این‌که رئیس‌جمهور کیست مهم نیست. اما این دولت نقش خاصی در جامعه بازی می‌کند. این دولت در دفاع از منافع این شرکت یا آن بانک عمل نمی‌کند، بلکه در حفاظت و گسترش سیستم اقتصادی سرمایه‌داری و اداره کل جامعه به مثابه یک جامعه سرمایه‌داری عمل می‌کند. کارهای کلیدی دولت کدام است؟

- مشروعیت استفاده از قوه زور را در انحصار خود دارد. برای سرکوب هرگونه مقاومتی که از پائین سر بلند کند، از پولیس و دادگاه و زندان استفاده می‌کند. در دهه ۱۹۶۰ دیدیم که چگونه حکومت برای در هم‌کوبیدن حزب پلنگان سیاه حرکت کرد. در همین نیویورک، پولیس معترضین ضد جنگ را دستگیر کرد و برای تمرین کنترل اجتماعی سالانه ۷۵۰ هزار جوان سیاه و لاتین را بازداشت و تفتیش کرده است.

- دولت مالیات می‌گیرد و برای ایجاد زیرساخت‌ها هزینه می‌کند؛ یک سیستم بانکی مرکزی را اداره می‌کند؛ برای استثمار نیروی کار قانون‌گذاری می‌کند؛ برای صنایع جدید یارانه می‌دهد؛ و با قدرت‌های دیگر وارد پیمان‌ها و قراردادهای می‌شود. تمام این‌ها به منافع سرمایه‌داری امریکائی خدمت می‌کند.

- دولت آمریکا از یک امپراتوری جهانی حفاظت می‌کند. برای این کار ماشین نظامی عظیم و مرگ‌آوری را ساخته است و در ۱۰۰ کشور جهان قریب به ۷۰۰ پایگاه نظامی دارد که هدفش تحمیل و تأمین شرایط سیاسی مساعد حال سرمایه‌گذاری و سرکوب مقاومت‌های مردم در دیگر نقاط جهان است.

- بخشی از عملکرد و فعالیت دولت مشروعیت بخشیدن به سیستم است. در این راستا انتخابات برگزار می‌کند تا برای سیاست‌های طبقه سرمایه‌دار «مهر تأیید مردم» را به‌دست آورد. همان‌طور که می‌دانید اسمش هست «راضی‌کردن مردم تحت حاکمیت».

از زمان تأسیس این جمهوری و قانون اساسی، حکومت آمریکا و قدرت دولتی به طور منظم در خدمت به بسط و تحکیم بازار ملی عمل کرده است. حکومت و قدرت دولتی به‌طور منظم در حفاظت از سیستم حقوق مالکیت عمل کرده است. این سیستم حقوق مالکیت مبتنی است بر حفاظت از یک طبقه سرمایه‌دار کوچک که از قبیل استثمار کارگران مزدی ثروت انباشت می‌کنند.

- این دولت به طور منظم به عروج و گسترش یک امپراتوری جهانی که بر استثمار، غارت و جنگ متکی است خدمت کرده است: از دزدی سرزمین‌های مکزیکی تا الحاق پورتوریکو و اشغال فیلیپین تا ویتنام و عراق و افغانستان.

و زمانی که سیستم در بحران اقتصادی عمیق فرو می‌رود، دولت مانع از فروپاشی آن می‌شود. این کاری است که روزولت در دوران «نیو دیل» (قرارداد جدید) کرد. وقتی در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ بحران اقتصادی گریبان سیستم را

گرفت، او باما برای نجات بانکها دست به کار شد نه به خاطر این که این بانکها و شرکتها خیلی با نفوذ هستند، بلکه به خاطر آن که مانع فروپاشی سیستم شود و از نهادهای مالی که نقشی کلیدی در سلطه آمریکا در جهان دارند حمایت کند. در واقع او سیستم را به قید کفالت از ورشکستگی نجات داد که هزینه های دهشتناکی برای کل بشریت و در این کشور نه فقط برای فقراء و استثمارشوندگان، بلکه برای بخش های وسیعی از مردم در بر دارد. و هزینه عظیمی برای محیط زیست.

و اکنون مردم باید میان این که کرایه خانه خود را بدهند و یا هزینه درمان، یکی را انتخاب کنند و جوانان نمی دانند که آیا به عنوان انسان آینده ای دارند یا نه؟!

سخنم را با این سؤال آغاز کردم: آیا این شرکتها هستند که سیستم را فاسد می کنند یا این که مسأله همانا خود سیستم سرمایه داری است؟ جوابم این است که مسأله همانا سرمایه داری امپریالیسم است و ما برای آفریدن سیستم نوینی که شایسته بشریت باشد نیازمند دست زدن به یک انقلاب هستیم. ■



تظاهرات در حمایت از اوس- ۱۵ اکتبر



تظاهرات در
حمایت از اوس
۱۵ اکتبر ۲۰۱۱
شیلی



تظاهرات در حمایت از اوس- ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ ایتالیا (رم)

چاپ اول: رادیکال ۵ گامی برای انقلاب